

تهدید حمله نظامی، سناریوی سیاه و مخاطرات جنبش ما!

برای ایفای نقش ننگین خود علیه مردم ایران در رکاب آمریکا آمادگیشان را اعلام کرده اند. جمهوری اسلامی میداند که آمریکا در استراتژی نظامی خود مدتهاست که بویژه در آغاز حملات نظامی از رودرروی زمینی حتی الامکان امتناع میکند، در نتیجه تلاش خواهند کرد این نقطه ضعف آمریکا را به نقطه قدرت خودشان بدل کنند، آتش این جنگ و این تقابل نظامی را به همه جا بکشانند! این تمرینی است که اسلامیهامدتهاست در عراق میکنند.

نظام اسلامی با تمام قوا تلاش میکند که نشان دهد با تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ایی از این تقابل نظامی ابایی ندارد. تروریسم اسلامی در ایران میخواهد با برافروختن



مهر نوش موسوی

امروز دیگر، پس از نتایج اسفناک حمله آمریکا به عراق، ویرانی و از هم پاشیدن شیرازه جامعه در این کشور، بیش از پیش میدانیم که در صورت حمله آمریکا به ایران و یا تقلابی نظامی تروریسم اسلامی حاکم، چه بر سر جامعه ایران خواهد آمد. مردم بیدفاع، زنان و کودکان قربانیان اصلی آن خواهند بود.

اگر حمله نظامی آمریکا به وقوع بپیوندد که هیئت حاکمه ایران، با تمام اختلافاتش در کل، آن را "برکت" میدانند، خود رژیم اسلامی تلاش خواهد کرد تا از تقابل در مناطق و نیروگاههای اتمی گسترش داده به شهرها و محل زندگی مردم بکشاند. دستجات تروریستی و سیاه خود را به جان مردم خواهد انداخت. در میان نیروهایی که نام "اپوزیسیون" را بر خود یدک میکشند، جریاناتی از هم اکنون

کانون رهایی زن در فرانسه تشکیل شد!

آنچه موجب اتحاد و تشکل ما دور هم است، خواست پایه ایی آزادی و برابری حقوق همه انسانهاست. به ما پیوندید!

اعضای تشکیل دهنده کانون رهایی زن فرانسه عبارتند از: پیام آذر، ماهرخ یکتا، شیما پارسا، قاسم پارسا، فریبا آذر، ساشا یکتا، فریده پوریا، علی تهرانی، نلی تهرانی، واحد کریم پور، فانی پاک، ساسان امیری، امیر امیری، فرامرز احمدی

اعضای کانون رهایی زن فرانسه پیام آذر را به اتفاق به عنوان مسئول کانون انتخاب کردند.

ایمیل: payamazar2003@yahoo.fr
تلفن: ۰۰۳۳۶۱۴۵۰۸۸۳۰

سنگسار، خشونت و تبعیض همگام با سازمان رهایی زن مبارزه کنیم. سهم خود را برای انسان و انسانیت و بازگشت اختیار به انسان را ادا کنیم. ما از تمامی انسانهای آزادیخواه! جوانان، زنان و مردان که لحظه ایی به خویشتن خویش و زیستن خویش در یک دنیای بهتر می اندیشند میخواهیم که به جمع ما پیوندند، تا در این راه هر چه محکمتر و پر غرورتر با سیل آزادیخواهی و برابری طلبی به این بساط ظلم و کین پایان دهیم. جای همه کسانی که از دست ستم و تبعیض، خشونت و تحقیر به زن به تنگ آمده اند، با هر عقیده و مرامی در میان ماست.

مردم آزادیخواه و برابری طلب!

ما جمعی از زنان و مردان آزادیخواه ساکن کشور فرانسه، طی نشست در تاریخ ۱۰ ژانویه امسال، تصمیم گرفتیم در جهت مبارزه برای آزادی و برابری در جامعه و برای تحقق آرمان رهایی زن متحد و متشکل شویم و کانون رهایی زن را در کشور فرانسه تاسیس کنیم. ما بیانیه اهداف رهایی زن را بیانیه حقوق جهانشمول زن و نماینده خواستها و اهداف خود میدانیم. در جهت تحقق اهداف این بیانیه میخواهیم علیه ستم و تبعیض به زن، آپارتاید جنسی، علیه حجاب و علیه کلیه قوانین ضد انسانی، از جمله اعدام،

قطعه نامه رهایی زن برای ۸ مارس

گرامی میداریم ۸ مارس را که افتخار جهان معاصر ما، در بلند کردن پرچم مبارزه علیه ستم و تبعیض و خشونت علیه زن است. بیش از ۱۵۰ سال از اعلام ۸ مارس توسط کلارا زتکین یکی از رهبران بین المللی سوسیالیست میگذرد، اما جهان معاصر هنوز به بلند کردن پرچم ۸ مارس در مقابل ستم کشی و تبعیض به زن به آن محتاج است. دنیا به برابری، آزادی، شان و حرمت انسان محتاج است و ۸ مارس پرچم این مبارزه و مقاومت روزمره است.

در سراسر جهان این روز، علیرغم مقاومت و سرکوب دولتهای مختلف، برگزار میشود. میلیونها زن و مرد آزادیخواه ۸ مارس را به عنوان روز اعلام علنی خواست و مطالبه خود در لغو خشونت و تبعیض به زن برگزار میکنند. به یمن تلاش و مبارزه جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران، این روز نیز همگام و همپای میلیونها زن و مرد در سراسر دنیا برگزار میشود. برگزاری ۸ مارس در ایران یک دستاورد

۸ مارس در لندن!

به تجمع اعتراضی ۸ مارس رهایی زن در استکهلم بیایید!



سوسن هجرت

روز ۸ مارس در مرکز شهر استکهلم آکسیون و تجمع اعتراضی برگزار میشود که مورد حمایت و مشارکت رهایی زن نیز هست. این آکسیون از ساعت ۵ بعدازظهر در میدان نورمال آغاز میگردد و تا ساعت ۷ بعد از ظهر ادامه خواهد داشت. از طرف کانون رهایی زن شهر استکهلم از همه زنان و مردان آزاده دعوت میکنیم که در مراسمی ما در اعتراض به خشونت و تبعیض به زن شرکت کنید. سازمان رهایی زن در استکهلم همچنین بدین مناسبت روز شنبه ۵

مارس مراسم جشنی را در یکی از محلات استکهلم به نام هوس بی ترف برپا می کند. این مراسم ساعت ۶ بعد از ظهر شروع شده و تا ساعت ۱۲ شب ادامه خواهد داشت. با ما هم در اعتراض علیه خشونت به زن و هم در جشن گرامی داشت این روز شریک شوید.

در ۵ مارچ، Middle East، Women Rights Center، مرکز زنان خاورمیانه نیز مراسم ۸ مارس را در لندن برگزار میکند و دینا نامی آنجا در مورد موقعیت زنان در ایران و همچنین قتل ناموسی سخنرانی خواهد داشت. این مراسم به ابتکار و تلاش نادیا محمود و سخنرانی خود وی و جمع دیگری از فعالین حقوق زن برپا میشود. در ۷ مارچ همچنین، Trade Union Congre (TUC) in Cardif-Wales اتحاد کنگره کارگران - شعبه ویلس از دینا نامی دعوت کرده اند که سخنران اصلی مراسم ۸ مارس آنها در کاردیف باشد. همین جا از همه درخواست میکنیم در این تجمعات با ما شرکت کنند.

سخنرانان اصلی این مراسمها هستیم. روز ۴ مارچ Action for Refugee Women، پیکار برای زنان پناهنده، مراسم ۸ مارس را به سمینار در مورد اوضاع زنان پناهنده و قوانین پناهندگی اختصاص داده و برنامه با برپائی جشن ادامه خواهد یافت. پیکار برای زنان پناهنده، بزرگترین تشکیلی است که از جمع سازمانهای مختلف زنان پناهنده و سازمانهای کمک رسانی به پناهندگان تشکیل شده است و ما در آن شرکت داریم. این سازمان هر سال در لندن برگزاری ۸ مارس را به بزرگترین شکل سازمان میدهد و سخنرانی، وک شاپ و جشن برپا میکند که صدها نفر در آن شرکت میکنند. امسال اجرای وک شاپهای که در مورد قتلهای ناموسی است ما بعهده داریم و دینا نامی سخنرانی خواهد کرد.



انگلستان هر سال شاهد برپائی مراسمی متعدد روز جهانی زن میباشد، در این روز سازمانها و گروههای مختلف زنان بدست تلاش میکنند که نقشی در سازماندهی مراسمها و تظاهرات و دیگر اشکال گرامی داشت این روز، داشته باشند. ما از سوی سازمان رهایی زن و همچنین کمپین بین المللی علیه قتلهای ناموسی در سازماندهی اینگونه مراسمها و شرکت در آنها نقش اصلی را ایفا کرده ایم و در جزو

سخنرانی و نمایش فیلم به مناسبت روز جهانی زن در کپنهاک!

سخنرانی و نمایش فیلم به مناسبت روز جهانی زن در کپنهاک یکشنبه ۶ مارس ۲۰۰۵ از ساعت ۱۴ بعدازظهر

در محل:
Norre ALLe medborgerhus
Norre ALLe 7, 2200 Kbh. N.
برنامه:

نمایش فیلم «تن فروشی در پس حجاب»، فیلمی از ناهید پرسن، درباره زندگی دو زن تن فروش در ایران
سخنرانی توسط ناهید ریاضی، درباره موقعیت زنان در ایران، جنبش زنان و نقش مذهب زدایی در تضمین حقوق زنان در جامعه

برگزارکننده: سازمان رهایی زن - دانمارک

بقیه از صفحه ۱ تهدید...

آتش جنگ مدت طولانیتری، برای ماندنش در منطقه وقت بخرد. به يك غده چرکی دائمی و استخوان لای زخم بدل شود. اینها میخواهند ایران را به لبنان بدل کنند. از این مرداب، مطمئناً آمریکا و اسرائیل هم تا دهه های متمادی برای خفه کردن هر گونه آزادیخواهی در منطقه استفاده خواهند کرد.

اولین قربانیان این چنین تقابل نظامی مردم بی دفاع هستند. زنان، قربانیان این صحنه خشونت بار و تقابل جنگی هستند. علاوه بر تجاوزهای دسته جمعی که دیگر به يك جزء دائمی جنگها بدل شده است، نظر به دست بالا پیدا کردن

مذهب، ناسیونالیسم، فدرالیسم و قوم پرستی، تحمیل فشار و خشونت به زن يك روند حرکت آنها خواهد بود. از سوی دیگر در ایران اینها با يك جنبش اجتماعی روبرو خواهند بود که تن به حجاب، جنایت و خشونت جنگی نخواهد داد. نحوه تقابل و ابراز وجود جنبش ما در چنین شرایطی مشکلتر و پیچیده تر از قبل خواهد بود. این جنبش در چنین اوضاعی بیش از پیش به يك شبکه سازمانیافته محتاج است. اما جنبش ما نباید از همین امروز نظاره گر باشد. معنی حضور ما در صحنه در حال حاضر، تلاش برای جلوگیری از وقوع چنین سناریویی است. علیه تمام تقلاهای نظامی و

هیستریک هر دو قطب تروریستی باید مبارزه کرد. علیه بستر سازی جنگی، تبلیغات جنگی و میلیتاریستی باید مبارزه کرد. علیه تمام افکار و آرا سیاسی که حمله نظامی آمریکا به ایران را راه نجات مردم میدانند باید جنگید. برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی، به عنوان يك قطب اصلی این تهدید نظامی باید مبارزه کرد. کلیه جریاناتی که سعی در حفظ این نظام دارند در کنار کسانی قرار میگیرند که آمریکا را دعوت به حمله میکنند. فرق چندان از زاویه دشمنیشان با منفعت مردم، با هم ندارند، هر دو را باید افشا کرد. تقلاهای اینها، استمرار این موقعیت خطرناک

سیاسی را تضمین میکنند. از سوی دیگر برای پیروزی جنبشهای آزادیخواهی در عراق باید مبارزه، کمک و همیاری کرد. اگر آزادی زن در عراق پیروز شود، حتی موفق به کسب مطالبات مهم خود شود، ما در ایران دست بالاتری داریم. چنان که اگر ما در ارتفاع بالاتری باشیم، جنبش در عراق هم موقعیت بهتری خواهد داشت. تمام سازمانهای مدافع حقوق زن، مدافع حقوق انسانی میشوند و باید علیه این مخاطرات با سایر جریانات حق طلب و متمدن بسیج شوند. ما تمام جریانات، کانونها و مراکز مدافع حقوق زن را به مبارزه برای جلوگیری از وقوع سناریوی سیاه،

تاریخچه ۸ مارس و اهمیت تاریخی این روز



خطر جنگ ۳- مبارزه برای تامین حقوق مادری و حقوق کودکان ۴- مبارزه بر علیه تورم و گرانی. در کنفرانس سال ۱۹۱۰ علیرغم تاکید بر اهمیت ایده داشتن يك روز جهانی به عنوان سمبل مبارزه بر علیه ستم به زن، در مورد تعیین روز مشخص برگزاری آن، کنفرانس به نتیجه نرسید و به همین خاطر تا سال ۱۹۲۱ در تاریخهای متفاوتی در یکی از یکشنبه های تعطیل ماه مارس روز زن برگزار میشد. بطور مثال در سال ۱۹۱۴، يك تظاهرات بزرگ و عظیم در سراسر اروپا بر علیه جنگ در روز ۸ مارس برگزار شد.

در سال ۱۹۱۷ نیز روسیه شاهد بزرگترین تظاهراتهای خود بمناسبت ۸ مارس بود. در این راهپیمایی که از سوی الکساندرا کولونتای و کلارا زتکین سازمان داده شده بود، زنان با شعار صلح و نان بمیدان آمدند. در سال ۱۹۲۱ کلارا زتکین که این باریکی از رهبران انترناسیونال سوسیالیست و در راس این کنفرانس بود، ۸ مارس را به عنوان روز جهانی زن به این کنفرانس جهانی پیشنهاد و آن را به تثبیت رسانید. دلایل مختلفی که بر مبنای آن ۸ مارس در این کنفرانس انتخاب شد، این دلایل بودند: * ۸ مارس، باید برگزار کنندگانش را به یاد مبارزه قهرمانانه زنان نساجی نیویورک بیندازد. * ۸ مارس در عین حال روز قیام زنان کارگر پترزبورگ بر علیه روسیه تزاری بود.

طولانی بود. خواستهای آنان عبارت بودند از: افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار به ۱۰ ساعت در روز، حق تشکیل اتحادیه های کارگری و کسب حق رای. این مبارزات بسرعت همه گیر شد و چهره درخشانی به حق طلبی و آزادیخواهی زنان کارگر بخشید. در ماه اوت سال ۱۹۱۰، کنفرانسی از بین الملل سوسیالیستی در شهر کپنهاگ دانمارک تشکیل شد که در آن نمایندگان اتحادیه های کارگری و احزاب سوسیالیست آن موقع شرکت داشتند. يك روز قبل از این تجمع، يك کنفرانس جهانی زنان فراخوان داده شده بود که بیش از ۱۰۰ نفر از نمایندگان سازمانها و احزاب زنان از ۱۷ کشور دنیا در آن شرکت کردند. همه این ۱۰۰ نماینده یا منتخب اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری و یا احزاب سیاسی چپ و سوسیالیست بودند. این کنفرانس ساختمان و سالن مخصوص تجمعات کارگری "جاکت وژ" شماره ۶۹ برگزار شد. کلارازتکین مبتکر و فراخوان دهنده برگزاری این کنفرانس مهم و تاریخی بود. کلارازتکین یکی از رهبران شناخته شده حزب سوسیالیست وقت در آلمان بود. کلارازتکین در این کنفرانس، پیشنهاد تعیین ۸ مارس روز جهانی زن را مطرح و قطعنامه ای را برای تثبیت شدن به کنفرانس ارائه داد.

در قطعنامه کلارا زتکین ۴ خواسته مهم مطرح شده بود: ۱- مبارزه برای حق رای ۲- مبارزه بر علیه

يك مشخصه دنیای امروز، تحمیل خشونت و تحقیر به زن است. در مقابل اما، بیش از ۱۵۰ سال است که رسماً و علناً در مقابل وجوه مختلف خشونت و تحقیر به زنان يك مبارزه و مقاومت عمومی جریان دارد. روز ۸ مارس، روز اعتراض و مبارزه بین المللی علیه ستم و تبعیض به زن است. در این روز در غالب کشورهای جهان، زنان و مردان آزادیخواه تجمع میکنند تا صدای اعتراض خود را نسبت به ستم و تبعیض جنسی و خشونت و تحقیر به زن بیان کنند. تقریباً در تمام کشورهای دنیا هنوز دولتها در به رسمیت شناختن این روز به عنوان تعطیل رسمی، مقاومت میکنند. مبارزه برای تثبیت و تبدیل این روز به تعطیلی رسمی و ثبت آن در تقویمها همچنان ادامه دارد.

انتخاب ۸ مارس بدلیل گرامیداشت خاطره تظاهرات عظیم زنان کارگر نساجی و پارچه بافی نیویورک آمریکا برای افزایش دستمزد و پائین آوردن ساعات کار در سال ۱۸۵۷ بود که توسط حمله پلیس در هم شکسته شد و شمار زیادی از زنان اعصابی دستگیر و زندانی و عده قابل توجهی زخمی و کشته شدند. مبارزات زنان کارگر نساجی آمریکا اهمیت زیادی در تاریخ مبارزه آزادیخواهانه زنان بطور اخص و مبارزات طبق طبانه در سطح جهان بطور اعم پیدا کرد. تظاهرات و اعتراضات زنان کارگر نساجی علیه دستمزدهای نابرابر، شرایط بد و غیر قابل تحمل کار و ساعات کار

در ایران نیز ۸ مارس سال ۱۳۵۸ اولین ۸ مارس پس از سالها خفقان بود که با شرکت تعداد زیادی از زنان برگزار شد، زنان شعار میدادند که حقوق زن نه شرقی است، نه غربی است، جهانیست! در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی، برگزاری ۸ مارس سالها ممنوع بود و هنوز هم برگزاری ۸ مارس روز جهانی زن، به عنوان يك روز بین المللی به عنوان تعطیل رسمی و در تقویمها به رسمیت شناخته نمیشود. در سالهای اخیر تحت فشار مبارزه جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه برگزاری ۸ مارس به نظام تحمیل شده است.

* ۸ مارس سال ۱۹۱۴ يك تظاهرات وسیع و عظیم و فراموش نشدنی از سوی زنان و بر علیه جنگ برگزار شده بود که نقطه عطفی در اروپا به شمار می آمد. از جمله ۴ کشوری که در آن زنان، پیشقدم و سنت شکن برگزاری ۸ مارس بودند، میتوان از دانمارک، آلمان، اتریش و سوئیس نام برد. از آن تاریخ تا کنون، علیرغم موانع بیشمار که پیشروی زنان بوده و هست، علیرغم اینکه در تعدادی از کشورها حتی برگزاری این روز ممنوع و یا غدن می باشد، زنان این روز را به عنوان روز جهانی اعتراض به ستم به زن برگزار میکنند. در کشورهای مختلف، زنان با برگزاری تظاهرات، کنفرانس، تجمعات و جشنها، این روز را گرامی میدارند.

۱۱. ما بر جهانشمولی حقوق زن تاکید میکنیم. خواستار همبستگی بین المللی با مبارزات جنبش حق طلبی زن در تمام دنیا هستیم. ۱۲. ما از حقوق زنان شهروند افغانستانی در ایران حمایت میکنیم. تعرض به حقوق این زنان و یا زنانی که همسر افغانستانی دارند را به شدت محکوم میکنیم. ما متحدانه اعلام میکنیم که فقط و تنها جامعه ای آزاد خواهد بود که در آن زن آزاد و برابر باشد.

میباشد. ۹- ما حمله نظامی آمریکا به ایران را و همچنین دست یابی ایران به سلاحهای کشتار جمعی را محکوم میکنیم. ما مخالف هر گونه جنگ و تعرض نظامی از هر سویی که باشد در ایران هستیم. تعرض و حمله نظامی مخالف منفعت مردم ایران است. ۱۰- ما از مبارزه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زن در عراق علیه قوانین اسلامی و خشونت و تبعیض به زن حمایت میکنیم.

۵- خواستار لغو فوری کلیه قوانین زن ستیز حاکم بر جامعه هستیم. ما خواستار اعلام آزادی و برابری کامل زن و مرد در همه شئون فعالیت و زندگی اجتماعی هستیم. ۶- خواستار جدایی مذهب و آموزش و پرورش از دولت هستیم. ۷- خواستار لغو حجاب اجباری و آپارتاید جنسی هستیم. ۸- خواستار لغو مجازات اعدام، سنگسار، قصاص، شکنجه، مجازات حبس ابد و کلیه مجازاتهای اسلامی هستیم که متضمن تعرض به جسم و روح افراد

۲- خواستار به رسمیت شناختن ۸ مارس و اعلام آن به عنوان تعطیل رسمی در تقویم کشور هستیم. ۳- خواستار برگزاری بدون قید و شرط و بدون مجوز رسمی و دولتی تظاهرات، تجمع، جشن و پایکوبی ۸ مارس هستیم. برگزاری ۸ مارس باید کاملاً آزاد باشد. ۴- خواستار ممنوعیت حضور نیروهای انتظامی، کنترل پلیسی، ایجاد محدودیتهای رسمی، غیر رسمی و غیر علنی در برگزاری این روز و یا تعیین نحوه برگزاری آن هستیم.

بقیه از صفحه ۱ قطعنامه...

مهم و غیر قابل برگشت جنبشی است که به ستم و تبعیض و نابرابری رضایت نداده است. جنبشی که خواستار برقراری يك دنیای بهتر و بازگرداندن اختیار به انسان است. از همین رو ما در تجمعات خود متحدانه اعلام میکنیم که: ۱- خواستار لغو کامل همه و هرگونه ستم و تبعیض و خشونت علیه زنان در کلیه سطوح فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستیم.

هوزان محمود

هشت مارس سال گذشته در عراق از ویژگی خاصی برخوردار بود، بعد از دهها سال تسلط بلامنازع حکومت دیکتاتور بعث که این روز را به ۵ مارس بعنوان یک روز ملی که زنان عراق باید برای سربلندی عراق مبارزه بکنند تغییر داده بود، ۸ مارس بر گزار شد. ۸ مارس در حالی در عراق برگزار شد که جریانات اسلامی بسیار تلاش کردند، قوانین خود را به جامعه تحمیل کنند.

زنان عراق در حالی این اولین جشن جهانی خود را برگزار کردند که حکومت بعث ساقط شده و جای آنرا با تلاش آمریکا، جریانات قومی و اسلامی و عشیره ای پر کرده اند و در همان حال همزمان با این تظاهرات در چنین روزی قانون اساسی عراق نیز به امضا میرسد که اسلامیهها میکوشند این روز جهانی را به روز تولد فاطمه زهرا تغییر دهند تا زنان کماکان فرو دست و بی حقوق بمانند و قانون ارتجاعی و گنبد شریعت را به جامعه عراق تحمیل کنند و تا آپارتاید جنسی را بر زنان حاکم کنند و هیچ اثری از مدرنیسم و تمایلات انسان گرایانه در جامعه باقی نماند.

در مقابل چنین اوضاعی و در این جدال سیاسی و اجتماعی که نیروهای سناریوی سیاه که به یمن حمایت آمریکا و دول ارتجاعی منطقه در مقابل مدنیت و آزادیهای اجتماعی جان گرفته اند و بعنوان بخشی از نظم نوین جهانی بوش قد علم کرده اند، سازمان آزادی زن عراق بر حق برابر و بی کم و کاست زنان با مردان تاکید میکند و با جمع آوری نیرو و فشار سیاسی و اجتماعی همراه با چپ جامعه عراق تلاش میکند که سرنوشت جامعه را در عراق، جریانات کپک زده اسلامی و تا مغز استخوان ارتجاعی و

نیروهای قومی و عشیره ای رقبه زنند و بر یک حکومت سکولار و لائیک در جهت تضمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی و برابری حقوق زن و مرد در کلیه شئون سیاسی و اجتماعی پای میفشارند. این تنها امید مردم عراق و به درجه اول زنان عراق میباشد، ما در این راه تنها نیستیم و جهان متمدن و افکار مرقی و نیروهای مدرن را با خود داریم. این باعث شد که در سال

نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا ۲۵ عضو شورای حاکم، کسانیکه دستچین و گمارده آمریکا هستند، اساسنامه ای را بر اساس مذهب، اقلیت های ملی و آپارتاید . لف منسلاند تا

گذشته در عراق مصمم باشیم و تلاش بکنیم.

در میان انفجار بمب و بتصویب رساندن قانون اساسی جدید عراق که تلاش شده اسلامی باشد، هر چند زنان در زیر حجاب هستند اما جمع وسیعی از آنان روز هشت مارس روز جهانی زن در میدان الفردوس بغداد، شعار آزادی و برابری سر میدادند.

بعد از چندین دهه سرکوب و زیر پا گذاشتن حقوق زنان سحرگاه آئروز پتانسیل عزم جزم مردم برای تغییر سناریوی سیاه حاکم بر عراق به به آینده ای روشن (سناریوی سفید) به عینه دیده می شد. خواست یک قانون اساسی سکولار و انسانی در میان جمعیت بوضوح پیدا بود. در آنسوی رودخانه در پایگاههای

مهناز رسولی

mrasouli_2000@yahoo.com

چندی پیش مطلبی خواندم از خانم "رویا طلوعی". نوشته ایشان به زبان کردی است و ترجمه فارسی تیتیر آن چنین مفهومی دارد: "مژده به ناصر رزازی، که زنان کرد بپا خاستند!"

ابتدا برای روشنتر شدن موضوع برای خوانندگان غیر کرد زبان و کسانی که نوشته خانم "طلوعی" را نخوانده اند توضیحاتی را لازم میدانم. ناصر رزازی یکی از خوانندگان کرد زبان مقیم اروپا است. خانم "طلوعی" در مطلب خود به تفسیر بخشهایی از یکی از آوازه‌های او بنام "مینا خانم" پرداخته است. با این هدف که جنبش زنان در کردستان و شخصیت‌هایش را به هر آنچه که نامربوط و غیر واقعی است ربط دهد. در کلمات و جملاتی که ایشان از این آواز برگزیده است، گویا خواننده زنان را ندا میدهد تا بپا خیزند، بی خیالی و بی تفاوتی را کنار بگذارند و برای حقوق خود مبارزه کنند. خانم "طلوعی" در این تجزیه و تحلیل هنریش "رزازی" را پرو بال میدهد که گویا در سبک هنری جدیدش نگاهی تازه به زن، به ارزشها و توانایی‌هایش دارد! نویسنده در پایان به مناسبت بیداری "زنان کرد" برای خواننده مورد علاقه اش پیام تبریک و شادباش فرستاده و در ضمن برای اثبات این بیداری و آگاهی اجتماعی، در بخشی از مطلبش عکسهایی از فعالین زنان و شرکت کنندگان در کنگره "بررسی وضعیت و مشکلات زنان کرد" را، که چندی پیش در دانشگاه تهران برگزار شد، درج کرده است... وقتی در میان عکسها، نگاهم به عکس دوست خیم "دبیا علیخانی"، که با هم "جامعه حمایت زنان" را بنا نهادیم، افتاد، جا خوردم! با خود گفتم این دیگر زیادی مغلطه کاری است! "دبیا" کسی نیست که خوشحال شود از اینکه با چنین

افکار ارتجاعی‌ای تداعی اش کنند و یا اینکه نامش را در متنی شاهد بگیرند که در مدح کسی چون ناصر رزازی "نوشته شده باشد و بدتر اینکه خود و فعالیت‌هایش را الهام گرفته از آوازه‌های امثال "رزازی" قلمداد کنند! این کار یا بهتر است بگویم این اهانت، نباید بی جواب بماند که امیدوارم "دبیا" عزیز خود پاسخ شایسته‌ای به آن بدهد. اگر خانم "طلوعی" را آنطور که خودش هم میخواهد، با گرایش فکری ناسیونالیستی اش نگاه کنیم، اینکه در عرصه فرهنگ و موسیقی کردی دنبال قهرمان برگردد جای تعجبی ندارد. اما "طلوعی" نمیخواهد فقط ناسیونالیست کرد باشد بلکه در رابطه با حقوق زن هم حرف میزند. اگر اولی را فعلا نادیده بگیریم و فرض کنیم ایشان زنی دردمند است و در جامعه‌ای زندگی میکند که در آن تبعیض جنسی وجود دارد، زن نصف مرد بحساب می آید و قرب و حرمتی ندارد، بنابراین نباید از زاویه زن تحقیر شده این جامعه، از جوهر فرهنگ و هنر و موسیقی امثال "رزازی" که همان تحقیر و توهین و نگرش کالایی به زن است غافل باش! اما ظاهرا روح کردی تشنه و شیفته هنر و موسیقی قومی خانم "طلوعی"، چشمان او را بروی جوهر مردسالار و ضد زن فرهنگ ناسیونالیستی که موسیقی اش هم عرصه‌ای از آن بشمار میاید، بسته است. متأسفانه در قضاوت هنری ایشان هم این اتفاق افتاده است. معلوم نیست اگر طلوعی قهرمان خودساخته و هنر او را بیدارگر زنان کردستان میدانند چرا از اینکه این قهرمان به همرش اجازه داده تا پا به عرصه هنر و موسیقی بگذارد، اینقدر خرسند و متشکر است! آیا این نشان نمیدهد که آزادی و برابری زن و مرد با فرهنگ مردسالار اقوام و عشایر و... و قهرمانانش بیگانه است؟

با این وجود من به انتخاب شخصی ایشان کاری ندارم اما ربط دادن پیشروان عرصه زنان در کردستان، که حلقه‌های به هم پیوسته یک جنبش سراسری اند، به تمایلات قوم پرستانه و تلاش آگاهانه برای تداعی کردن آنها در یک قالب بومی و محلی تحت نام "زنان کرد" و تهنیت گفتن به "رزازی" را ادامه تلاشی میدانم که اهداف جنبشی، سیاسی خاص خود را دنبال میکند. گمان نمیکنم هیچکدام از کسانی که خانم "طلوعی" به نمایندگی از آنان سخن گفته و عکسشان را در نوشته خود زده است از این کار او خوشحال باشند، مطمئنم آنها دنیا را خیلی بزرگتر میبینند. نه خانم "طلوعی" و نه هیچ ناسیونالیست و قومپرست دیگری حق ندارد با چسباندن عکس خود در کنار فعالین خوشنام زنان و آویزان کردن خود به آنها، جنس خودش را بفروشد و با چنین ترفندی هم برای خود ارزش هژمونی بخرد و هم بخواهد اذهان را از واقعیات لپروزر جامعه کردستان منحرف کند. در هر حال نقد آواز و موسیقی کردی کار من نیست. ولی در مورد ناصر رزازی تا آنجا که به "هنر"ش بر میگردد، کسی میتواند از صدا و سبکش خوشش بیاید و دیگری بر عکس. هر کس ذوق و سلیقه‌ای دارد. "رزازی" مثل هر خواننده دیگر هم سبک خودش فقط یک خواننده است. میخواند تا به رقص بیاورد و میخواند تا بگریاند. اما زمانی که این خواندن میخواهد از محدوده "هنر" و بازار و مشتری فراتر رفته و به عرصه جنبشهای اجتماعی و به ویژه عرصه زنان، عامدانه مربوط شود، این دیگر جای حرف دارد و نمیتوان ساکت بود. چرا که این عرصه جای امثال "رزازی" و هیچ قهرمان خودساخته دیگری نبوده و نیست. جنبش اجتماعی زنان چه در سرتاسر ایران و چه در کردستان تاریخ دارد، سنت دارد، افق دارد، قهرمان

و شخصیت خودش را دارد و هر روز هم دارد میپروراند. چسباندن مارک کالایی محلی و قومی به بخشی از جنبش سراسری زنان، از سوی عده ای قومپرست "دیر آمده" که دارند تمام زورشان را میزنند تا بلکه "زود برسند"، این جنبش را محلی و بریده از ریشه اش نمیکند. "گورانی" (آواز کردی)، "غذای روح کرد" است! خانم طلوعی با شرح اینکه گورانی غذای روح "کرد" است شروع کرده و سپس با لحنی گلیه مانند گفته اند که نمیدانند کسانی که با آواز "مینا خانم" "رزازی" میرقصند و شادی میکنند آیا به کلام و پیام زیبا و حماسی اش توجه کرده اند؟ من نگرانی و گله مندی ایشان را درک میکنم. این واقعیتی که اینقدر برای "طلوعی" تلخ است، برای مردم کردستان و بخصوص جوانان بسیار ساده است. آنها با هر آهنگ شادی میرقصند. فقط میرقصند و منتظر گرفتن "پیامی" از آن نیستند چراکه مردم رهبران و پیام آوران خود را در میان خود دارند. منتظر تشویق و فراخوان رزازی و امثال او نیستند. بخصوص آوازی که در آن "مینا خانم" نقش ماسازور "مردش" را دارد و لابد آفتابه و لگنش را هم باید آماده داشته باشد!... هیچ شعار تو خالی از نوع همین "گورانی" که "طلوعی" را شیفته کرده و با هیچ روتوشی نمیتواند این از مدافعتادگی و عقب ماندگی، فرهنگ قومی را جبران کند. بگذریم از اینکه موزیک محلی و بازاری و عوامانه در مقابل موزیک و آواز پیشرفته و مدرن در میان نسل جوان دیگر جایگاه و اعتباری ندارد و "غذای روح" این نسل از "کرد"ها نمیشود که نمیشود. از زاویه مساله زن هم نه تنها این هنر پیشرو نیست بلکه زن ستیز و مردسالار است و غذای مطلوبی برای روح زن "کرد" هم نیست. نگاه به زن در کردستان نگاهی

کالایی است! خانم "طلوعی" در نوشته خود ظاهرا از نگاه کالایی به زن در جامعه کردستان مینالد و اینکه زن در فرهنگ مردسالار و عقب مانده سنتی، شرف مرد محسوب میشود و در مراودات اجتماعی به طرق گوناگون مورد معامله قرار میگیرد... اما جهت اطلاع خانم طلوعی، تا آنجا که به "گورانی" (آواز کردی و از جمله سبک و "هنر" امثال "رزازی" بر میگردد، از تحقیر و کوچک کردن زن و رواج نگاه کالایی به زن لبریز است! آنقدر که حتی به انواع دیگر موزیک بازاری و لمپنانه شرقی از نوع فارسی و عربی و ترکی و... رودست زده است. زن و شخصیت زن در این "هنر" نه بعنوان یک انسان، بلکه در حد کالایی تقلیل میابد که میشود به هر چیزی تشبیهش کرد و هر اراجیفی را بنام شعر به قواره اش چسباند.

بقیه از صفحه ۵ زنان...

لمپنسیسم و تحقیر و توهین و خشونت به زن تقریباً در همه جای دنیا وجود دارد، و بسته به شرایط، چگونگی و شدت و ضعف آن متفاوت است. تا جایی که به جامعه ایران و هم کردستان بر میگرده، سنتهای عقب مانده با حمایت شرع و قانون از عوامل رواج و پایداری این لمپنسیسم و نگاه کالایی به زن بوده اند. موسیقی سنتی هم در متن همین فرهنگ سنتی بوجود آمده است. لذا "گورانی" 

زنان و فرهنگ ایرانی-اسلامی، آگهی ازدواج



نسرين پرواز

به چند آگهی ازدواج در روزنامه نیمروز شماره ۵۷۹ توجه کنید:

"آقای ۴۵ ساله جدا شده از همسر ایرانی مایل به آشنایی و ازدواج با خانم ایرانی تا سن ۳۶ سال معتقد به فرهنگ و اصول ایرانی می باشم."

از ۶ آگهی ازدواج خانمها یکی می نویسد: "بانوی علاقمند به طبع و

خانه داری، معتقد به اصول اخلاقی، ...". "احتیاجی به پرسیدن

نیست که منظور این خانم و آن آقا کدام اصول اخلاقی است، چرا که هر

دو و بقیه ای که دنبال این اصول و اخلاقیات هستند، خوب می دانند

که منظورشان چیست، برای همین هم هیچکدام توضیحی نمی دهند.

منظورشان از اعتقاد به اصول اخلاقی این است که معتقد به تقسیم

کار زنانه و مردانه در خانه هستند.

یعنی اگر زن در بیرون از خانه هم کار می کند باز کلیددار آشپزخانه

اوست. معتقد به این اصول اخلاقی بودن یعنی باور داشتن و عمل کردن

به این سنت که آشپزی و ظرف شویی و رخت شویی و بچه داری در خانه

همه بر دوش زن است. به قول برخی آقایان گذاشتن چهارتا لباس در

ماشین لباس شویی و چهارتا بشقاب در ماشین ظرف شویی، و یا

شستن آنها که این همه بحث ندارد.

بحث ندارد، چون همه این کارها به اسم زنان نوشته شده است. و بحث

کردن سر آن نه تنها نفعی برای چنان مردانی ندارد بلکه ممکن است

مضر هم باشد. چرا که بحث کردن سر آن و روشن شدن چنان رابطه

نابرابر و غیر انسانی مردان و زنان را ملزم به نگاه کردن به خود و تغییر

رویشان می کند. اعتقاد به این اصول اخلاقی یعنی وقتی زن و مرد

بچه دار شدند، انگار نه انگار که زن ۹ ماه بارداری کرده، بچه بلافاصله

بعد از تولد جزو مایملک مرد (پدر) است. و بدون هیچ بحثی نام فامیلی

پدر بر شناسنامه بچه نوشته می شود. اعتقاد به این اصول اخلاقی

یعنی بعد از ازدواج زن بدون اجازه شوهر نباید از خانه بیرون برود، یا با

مردی صحبت کند و ... خلاصه آنکه اعتقاد به این اصول و

اخلاقیات یعنی آمادگی وارد شدن به رابطه ای که زن نقش برده و مرد

نقش ارباب را بازی می کند. آگهی دهنندگان ازدواج، چنین رابطه ای

مبارکشان باد! برگردیم به آگهی های ازدواج، یکی از خانمها می نویسد

که "جدا شده از همسر غیر ایرانی" است و پنج تای بقیه مشخص کرده

اند که "بدون ازدواج قبلی" هستند، یعنی تا به حال ازدواج نکرده اند. و

این بدان معنی است که دوشیزه هستند. همه می دانیم که دوشیزه

نبودن در فرهنگ ایرانی به معنای بی ارزش بودن زن در بازار ازدواج

است. برای همین هم این خانمها بر آن تاکید دارند و بخاطر همین است که

در حال حاضر یکی از منابع درآمد بخشی از دکترها در ایران از راه

دوشیزه سازی خانمها قبل از مراسم ازدواجشان است. این روش دوشیزه

سازی در ایران آنقدر مد شده که چند ماه پیش خانمی که برای بار دوم می

خواست ازدواج کند و مهر ازدواج اولش در شناسنامه اش خورده است

و شوهر دوم هم از ازدواج قبلی او خبر داشته است، برای "خوش

خدمتی" به شوهر جدید خود را دوشیزه می کند! در فرهنگ ایرانی

زن هم مثل برخی کالاها ارزش یک بار مصرف را دارد نه بیشتر. برای

همین زن تا ازدواج نکرده یعنی با مردی نبوده، ارزش مصرف دارد و

کالای دست نخورده است. ولی به محض آنکه ازدواج کرد حتی اگر دو

روز هم با شوهرش زندگی کرده باشد، دیگر آن کالای قبلی نیست،

چرا که دیگر دوشیزه نیست. باید اشاره کنم که ارزش مصرف تنها

شامل زنان می شود یعنی مردان اصلا مهم نیست که چند بار ازدواج

کرده اند، همیشه مثل ماهی ای هستند که تازه از آب گرفته باشی!

این همان فرهنگی است که زنی را که با بیشتر از یک مرد در طول

زندگی اش رابطه داشته باشد فاحشه می نامند. همان فرهنگی که نمی

تواند با زن بعنوان یک انسان رابطه برقرار کند و همیشه زن را ماده می

بیند و مرد را نر. واقعیت این است که این تنها مردان نیستند که حامل

و مدافع فرهنگ مردسالار هستند. اینجاست که نقش و نیروی جامعه و

مناسبات حاکم بر آن، فراتر از توانایی افراد آن خود را نشان می

دهد. مردان به گونه ای تربیت می شوند که همیشه احساس برتری

نسبت به زنان را داشته باشند. و زنان به گونه ای تربیت می شوند که خود

را متفاوت از مردان ببینند و نقشی متفاوت برای خود قائل باشند. از

اینرو زن ایرانی طوری تربیت می شود که خود را در رابطه با پدر و یا

برادر و یا شوهر تعریف کند. و زمانی که زنی بخواهد یا بر روی این

فرهنگ بگذارد و مستقلا هرکاری که دوست دارد بکند، با خیلی انگ

ها و پشت سر حرف زندها و یا مسئولیتهایی روبرو می شود که

تاقیت فرسا هستند. زنان بچه داری که در اروپا از شوهرانشان جدا شده

اند نه تنها فشار زندگی اشان کم نشده بلکه به لحاظی بیشتر هم شده

است. هرچند این زنان به خاطر نبود شوهر و یا رئیس در خانه آرامشی

دارند که حاضر نیستند بخاطر کم شدن فشار کار بچه ها به زندگی

سابق برگردند. این فرهنگ مردسالار، این فرهنگ ایرانی حتی

بعد از جدایی زن و شوهر در این کشور هم دست از سر برخی از زنان

بر نمی دارد. خانواده هایی که بچه دارند، بعد از جدایی معمولا

مسئولیت بچه در عمل با زنان است. و اکثر مردان به اشکال

مختلف از زیر مسئولیت بچه ها فرار می کنند. همانطور که تا قبل

از جدایی از زیربار مسئولیت آن فرار می کردند. رها زن جوانی است که

دو سال است که از همسرش جدا شده است. می گوید: "نمی دانم چکار کنم، تمام روزهای هفته بچه ها با

من هستند، به مدرسه می برمشان و وقتم را با مدرسه آنها تنظیم می کنم. از ابتدا قرار بود که شنبه ها و

یکشنبه ها پیش پدرشان باشند. ولی اکثر اوقات وقتی شنبه ها آنها

را به خانه پدرشان می برم، چند ساعت بعد زنگ می زند که دلمان

برایت تنگ شده بیا ما را ببر. رها می گوید نمی دانم چه بکنم من هم

آرامش می خواهم، تمام هفته کافی نیست؟ من هم چند ساعت می

خواهم که آزاد باشم." ولی آیا واقعا بچه ها دلشان برای مادرشان تنگ

می شود که می خواهند پیش او برگردند؟ چرا وقتی خانه دوستشان

می روند دچار این دلتنگی نمی شوند؟ غیر از این است که پدرشان

حاضر نیست و بلد نیست با آنها بازی کند؟ به آنها محبت کند؟ غیر

از این است که هر بار یک فیلم ویدیویی تکراری برایشان می گذارد

که آنرا ببینند و خودش به کارهای "مهمش" می پردازد؟ این آن فرهنگ

مردسالارانه است که عملا کار بچه را کار زن می بیند. این همان

فرهنگی است که تقسیم کار، رفتار و کلا زندگی متفاوتی برای زن

نسبت به مرد قائل است. الگوی رفتاری خاصی برای مرد ارائه نمی

دهد، چرا که همیشه این فرهنگ مردسالار بوده که این الگوهای

رفتاری را تعریف و تعیین کرده است. ولی زن ایرانی باید متین و

"باحیا" باشد. باید مطیع مرد باشد و خانه داریش خوب باشد. یعنی

آشپز و بچه دار خوبی باشد، و هروقت که شوهر خواست برده جنسی

اش باشد. به زن بعنوان یک انسان مستقل نگاه نمی شود. ملک مرد

است، مرد برایش پول داده و آنرا خریده است. در رابطه با مرد تعریف

می شود، سرویس دهند مرد است. برخورد توهین آمیز این

فرهنگ به زن را اگر به آن عادت نکرده باشیم، در خیلی جاها می

توانیم ببینیم. روزی با دوست پسر به یک مغازه ایرانی رفته بودم. دوست

پسر یک بسته شیرینی ایرانی برداشت و از مغازه دار در مورد آن

پرسید. مغازه دار در ادامه توضیحاتش گفت: "آقا شیرینی را

می گذارید جلوی تان، خانم چایی می آوردند و با آن میل می کنند."

حضرت مغازه دار خیلی راحت مرا خدمتکار دوست پسر کردند! خیلی

راحت می توان حدس زد که ایشان وقتی تشریفشان را می برند خانه،

پایشان را دراز می کنند و دستور می دهند که خانم برایشان چه تهیه

کند و چه تهیه نکند. حتما ایشان هم مثل خیلی از مردهای دیگر نمی

دانند چطور می شود ظرف شست، جارو کرد و یا بچه داری کرد. چرا که

فرهنگ عزیز ایرانی و اسلامی این کارها را آنقدر ناچیز می بیند که در

شان مردان نمی داند و خیلی حساب شده برای زنان گذاشته است. این

فرهنگ عمر خدایان و پیغمبران را دارد که همه مرداند. عمر شاهان را

دارد که همه نرند و عمر قهرمانان افسانه ها را دارد که باز هم همه

مرداند. به ادبیات این فرهنگ نگاه کنید، به شعر، موسیقی، ترانه، کتاب، آثار فرهنگی و هنری اش

نگاه کنید، فضای حاکم در همه آنها فرهنگ مردسالار است. این فرهنگ تحت نام فرهنگ ایرانی و خودمانی

در روابط ما زنده است. این فرهنگ که اسلامی هم هست باید کنار

گذاشته شود و با یک فرهنگ انسانی و آزادیخواه جایگزین شود. با این

تعریف، من طبعاً خواهان جایگزینی زنان در جایگاه مردان نیستم، چرا که

این جایگاه را انسانی نمی بینم. مناسباتی را که بوجود آورند و

تداوم بخش این فرهنگ و سنت و اخلاقیات است باید دگرگون کرد.

تنها با برابری زن و مرد است که هم زنان و هم مردان جایگاه انسانی خود

را خواهند یافت. مبارزه برای یک جامعه برابر جدا از مبارزه امروزمان

علیه این فرهنگ و سنت و اخلاقیات نیست. منظورم از برابری، برابری در زندگی خانوادگی، برابری در بیرون از خانه و حذف و کنار

گذاشتن قوانین و سنت های ضد زن در همه شئون زندگی اجتماعی است. به امید جامعه ای که نابرابری را تنها در کتابهای تاریخ آن بتوان یافت.

پیش به سوی تدارک ۸ مارس، روز جهانی زن!

رهایی زن را بشناسید و بشناسانید!

مهرنوش موسوی

ما برای آزادی و رهایی زن، برای حقوق و شان و حرمت زن مبارزه میکنیم. ما معتقدیم که خشونت و ستم به زن يك مشخصه نظام سرمایه داری حاکم است. ما معتقدیم که خشونت سازمانیافته مذهبی در ایران، يك رکن حاکمیت کسانی است که به جز با ستم و تبعیض، به جز با خشونت روزمره و مردسالارانه علیه زن بر سرکار نیامده و قوانینشان برقرار نشده است. ما ریشه این ستم و تبعیض را در مناسباتی میدانیم که خشت اول آن بر مبنای کار مزدی، استثمار و ستم طبقاتی بنا شده است. مناسباتی که کلیه اشکال خشونت و ستم را روزمره بازتولید و حفظ میکند. ما معتقدیم که بر علیه این ستم و تبعیض سازمانیافته يك جنبش قوی و اجتماعی، رادیکال و چپ، يك جنبش دگرگونی و تغییر در سراسر جامعه وجود دارد. ما

معتقدیم که این جنبش به ستم و تبعیض به زن در همه شئون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی روزمره نه میگوید و به تقابل با آن برخاسته است. مبارزه علیه حجاب، علیه آپارتاید جنسی، علیه تحقیر و تبعیض روزمره، علیه خشونت، سنگسار، اعدام مبارزه ای است وسیع، گسترده و تا اعماق جامعه بسط و نفوذ پیدا کرده. مبارزه جنبشی که علیرغم خشونت، علیرغم تقلاهای مذبوحانه برای توجیه این خشونت، دست از فراخوان برای تغییر جامعه، دست از امید به ساختن يك دنیای بهتر، يك فردای عاری از ستم برنداشته است. ما به این جنبش تعلق داریم. ما میخواهیم این جنبش را هدایت، منسجم و گسترده تر کنیم. ما مصممیم این جنبش را به پیروزی برسانیم. ما معتقدیم که جامعه آزاد نخواهد شد تا مادام که زن در آن

تحت ستم است. ما معتقدیم که آزادی و رهایی زن، آزادی و برابری کل جامعه ایران، عملی، ممکن و مقدور است. ما معتقدیم که هر درجه بهبود در وضعیت زنان، ولو جزئی، مختصر و حتی کم، فقط و تنها با مبارزه و فشار جنبش اعتراضی زنان و مردان آزادیخواه مقدور و ممکن است. ما برای مبارزه علیه این ستم، نه فقط زنان، که مردان و همه افراد و آحاد مردم را به تلاش و مبارزه فرامیخوانیم. ما جنبشی فراجنسیتی هستیم، ما برای توضیح ریشه ستم و تبعیض به زن، از نقد مناسبات سرمایه داری حاکم و خشونت و مردسالاری مکمل آن آغاز میکنیم. ما نقد ضد کاپیتالیستی جهان موجود را یگانه نقد ریشه ای و رادیکالی میدانیم که قادر به توضیح علت العلل تمامی مصائب، تبعیضات و خشونت موجود است. ما نه در نقد و نه در

طلب کردن خواستههایمان به کم رضایت نمیدهیم. ما تمامی آزادی را میخواهیم. ما در مقابل مذهب، ناسیونالیسم، مردسالاری، شرق زدگی و کهنه پرستی سر سوزنی کوتاه نمی آیم. ما حق بشر میدانیم که آزاد و برابر زندگی کند. ما برای زندگی، برای عشق، رفاه، خوشی، شادی و حرمت انسان مبارزه میکنیم. ما بر علیه کلیه اشکال پنهان و آشکار ستم بر زن ادعایمانه خود را داریم. ما معتقدیم که حرف و مطالبات ما، حرف دل و مطالبات میلیونی زنان ایران است. ما معتقدیم که این مطالبات به نیروی جنبش عظیم آزادیخواهی و برابری طلبی شانس تحقق دارد. ما همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب را به صف مبارزه منسجم و سازمان یافته برای رهایی زن فرامیخوانیم. ما از همه شما میخواهیم که به ما بپیوندید.

آدرسهای تماس با ما

دبیر سازمان رهایی زن

مهرنوش موسوی

mehr_musavi@yahoo.de
Tel: 00491706739503

مسئول روابط بین المللی

ناهد ریاضی

Tel: 004540453992
nahid@mail.danbbs.dk

مسئول تشکیلات کل کشور

لادن داور

ladann_d@yahoo.com
Tel: 0049 178 20 84 153

مسئول تشکیلات

خارج کشور

دیانا نامی

diannammi@yahoo.com

مسئول امور مالی

مریم افراسیاب پور

mafrasiabpour@yahoo.se

مسئول تلویزیون

رهایی زن

مینو همتی

MinoHemati@yahoo.com
Tel/Fax: 001(916)314 8971

صندوق پستی:

P.M
P.F: 102431
50464 Köln
Germany

و خرافه که امروز به زور بر سر جامعه ایران حکومت می کند بلکه زیر سایه آزادی و برابری، لغو حجاب اجباری و آپارتاید جنسی باشد. به امید آن روز بار دیگر همدیگر را در آغوش می کشیم و فریاد می زنیم که دوست داشتن و زندگی زیباست.

والنتاین در ایران!



که سنت عشاق بوده است. اما با چهره ای متفاوت تر از دنیا، اینجبا زیر سایه حکومت اسلامی و در فرهنگ اسلامی جایی به این روز

زندگی مشترک با هم هستند در این روز به رسم دوست داشتن و عاشق بودن متقابل، به هم هدیه می دهند. این روز در ایران هم دیر زمانی است

دوشنبه گذشته روز والنتاین بود. جالبی این روز در این است که هویت مذهبی، قومی، ملی، و جغرافیایی را نمی شناسد. انسانهایی که عاشق

به سازمان رهایی زن بپیوندید